

## ارکان دموکراسی

جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی چهار رکن یا پایه اساسی را به عنوان ارکان دموکراسی و شرایط اولیه مردم سالاری در یک جامعه تعریف کرده‌اند. رکن اول داشتن قانون اساسی، که به منزله قانون مادر، در یک کشور است و چارچوب‌های اصلی، چگونگی اداره جامعه و تقسیم قوا را ترسیم می‌نماید. دوم داشتن مجلس قانون گذاری یا پارلمان، که جمعی از نمایندگان منتخب مردم در پارلمان حضور یافته و با تهیه و تدوین قوانین ضروری، اداره امور جامعه را تحت لوای قانون قرار دهند. رکن سوم وجود احزاب و سازمان‌های سیاسی است تا افراد ملت بتوانند بر اساس عقیده و اندیشه و آرمان‌های خود به گرد هم جمع شده و حزب یا جمعیت سیاسی بوجود آورند و عقاید و افکاری را که برای ارتقای جامعه و پیشرفت و تعالی آن در نظر دارند از طریق حزب و مرامنامه و منشور حزب خود مورد مطالبه قرار دهند. و بالاخره وجود مطبوعات آزاد به عنوان رکن چهارم دموکراسی معرفی شده است.

با این تعاریف جمهوری اسلامی ظاهراً واجد شرایط دموکراسی به نظر می‌رسد. و در نگاه اول، هر جامعه‌شناس نا آشنا به امور این کشور، ارکان دموکراسی را در این سرزمین محقق تصور می‌کند. این جاست که باید در مورد واقعیت و اصالت ارکان دموکراسی توضیح داد و متذکر شد که صرفاً وجود ظاهری این چهار رکن در یک جامعه اثبات کننده قطعی وجود دموکراسی در آن جامعه نیست، بلکه صحت و شرایط حقیقی و متناسب برای به وجود آمدن این ارکان است که تعیین کننده دموکراسی واقعی در یک کشور است. مثلاً قانون اساسی باید توسط مجلس مؤسسان متشکل از نمایندگان واقعی اقلیت مختلف مردم تنظیم شده و در هر زمان بتواند به وسیله نمایندگان واقعی شهروندان مورد بازنگری و تجدید نظر و رفع نقص قرار گیرد. و این امری است که در کشور ما هرگز تحقق نیافته است. قانون اساسی آمریکا که حدود ۲۲۰ سال قبل در سال ۱۷۸۹ تدوین و تصویب شده است، طی این مدت ۲۷ بار مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته است.

پارلمان یا مجلس قانون گذاری باید با انتخاب آزاد و سالم و با امکان شرکت همه شهروندان با هر نوع طرز تفکر و عقیده سیاسی شکل بگیرد و همه افراد ملت بدون ممیزی و تبعیض باید حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن را داشته باشند. مجلسی که بدین گونه تشکیل شود مجلسی است که میتواند به عنوان یکی از ارکان دموکراسی شناخته شود. در جمهوری اسلامی صلاحیت داوطلبان کاندیدا شدن در انتخابات باید ابتدا در شورای نگهبان که یک

## در انتظار رنسانس ایرانی

ما وارد آخرین ماه سال ۱۳۹۵ شده‌ایم و در آستانه نوروز ۱۳۹۶ هستیم. آیا ملت ایران برای سال نو و سال‌های بعد چه آرمان و انتظاری دارند و ما و شما چه آرزوهایی داریم و داریم؟ امید و آرزوی ما آن است که نسل جدید ایرانی بتواند با تولید فکر و تولید علم، افتخارات پیشینیان خود را از مدیریت جهانی کوروش و داریوش گرفته تا دانش و بینش محمد زکریای رازی، ابن سینا، ابوریحان و خواجه نصیر طوسی و ادبیات و آداب فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ و دولت مردان وطن دوست و ترقی خواهی چون قائم مقام فراهانی، میرزا تقی خان امیرکبیر و دکتر محمد مصدق را دوباره در سطح جهان تجدید کند و ما شاهد یک رنسانس ایرانی باشیم که هم موجب تجدید افتخارات گذشته ایرانیان شود و هم شهروندان ایرانی از رفاه و آسایش و آرامش کافی در فضایی آباد و آزاد برخوردار باشند. پرسش خاصی که احياناً به نظر خواننده می‌رسد، این است که آیا این آرزوی بروز و ظهور رنسانس، در چشم انداز کوتاه مدت حتی دراز مدت در ایران کنونی، واقع نگرا نه است؟

پاسخ ما به این پرسش، آری است. ما تجربه تاریخی و پیشینه فرهنگی اش را داریم. امروز نیز، هم استعداد و ظرفیت ذهنی و اندیشگی و قدرت اختراع و ابتکار و نوآوری در دانشمندان و فرهیختگان ایرانی، هست و هم منابع طبیعی و امکانات اکوسیستم را در کشورمان داریم. اگر یک مدیریت کلان سالم و صالح و مدافع منافع ملی داشته باشیم، از ترکیب درست این نیروی انسانی با منابع طبیعی و فرصت‌های امروز و فردا، ما هم می‌توانیم در سطح جهانی از جهت تولید علم و فرهنگ، رنسانسی ایجاد کنیم و در مسیر رسیدن به توسعه علمی، فرهنگی و اقتصادی به آرمان‌های ملی خود دست یابیم. ایرانی آباد و آزاد به دست ایرانی و ایرانی.

با آمدن رئیس جمهور جدید در ایالات متحده و دغدغه‌های بین المللی، خیلی‌ها به حق نگران آینده‌اند. اما ما نباید از آمریکا یا هیچ کشور دیگری هراس داشته و با هم‌چنین انتظار داشته باشیم که در جهت منافع ملی ما حرکت کند. هر کشوری، به دنبال منافع ملی یا منافع طبقه حاکمه خودش هست، طرف خطاب ما ملت ایران است و ما این امید را به ملت ایران داریم که با رنسانس دیگری، افتخارات علمی و فرهنگی و مدیریتی و اقتصادی تاریخی اش را تکرار کند. اگر ما روزی در جهان علم و معرفت و انواع هنر حرف اول را زده‌ایم، اکنون هم استعداد و ظرفیت تجدید و تکرار آن را داریم.

شورای تعیین شده توسط حکومت و وابسته به هیئت حاکمه است به تصویب برسد و پس از گذشتن از فیلتر شورای نگهبان است که داوطلبان میتوانند در عرصه انتخابات حضور یابند. بدهیست که چنین مجلسی نه یک مجلس شورای ملی که یک مجلس مشورتی دولتی است و به هیچ وجه نمیتواند یک رکن دموکراسی تلقی گردد. حضور احزاب آزاد و مستقل در جامعه رکن سوم دموکراسی تعریف می‌شود و اصولاً بدون وجود احزاب مستقل و منشاء گرفته از بطن جامعه، دموکراسی معنی و مفهومی پیدا نخواهد کرد. وجود احزاب دولتی و نمایشی و دست آموز حاکمان نمیتواند رکن سوم دموکراسی تلقی گردد. چنانکه در بسیاری از حکومت‌های توتالیتر و دور از دموکراسی اینگونه احزاب وابسته به قدرت و ساخته و پرداخته حکومت، وجود داشته و دارند. مطبوعات آزاد رکن چهارم دموکراسی را تشکیل می‌دهند. مطبوعات آزاد نقش مهم آگاهی رسانی به شهروندان و آشنا کردن آنان به حقوقشان و هم چنین وظایفی که نسبت به جامعه دارند و تفسیر و تحلیل آنچه که منافع ملی کشور را محفوظ می‌دارد را به عهده دارند. با وجود مطبوعات آزاد است که ریشه فساد در جامعه می‌خشکد و از گسترش و قوت گرفتن باز می‌ماند.

از آغاز قرن نوزدهم که مطبوعات در جوامع بشری پا به عرصه وجود گذاشتند، تغییر و تحولات مثبت و شگرفی در استحکام پایه‌های دموکراسی ایجاد شد. در ایران روزنامه‌های معدودی که در سال‌های قبل از انقلاب مشروطیت انتشار یافتند، نقش مهمی در تکوین و به ثمر رسیدن انقلاب آزادیخواهانه و عدالت جویانه مشروطیت ایفاء نمودند. در دوران نهضت ملی ایران، وقتی رهبر نهضت ملی دکتر محمد مصدق که به ضرورت آزادی مطبوعات عمیقاً باور داشت، در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۲۰ که برای اجرای قانون ملی شدن نفت قبول مسئولیت نمود و پست نخست وزیری را به عهده گرفت، در اولین سخننامه دولتی خود این نامه را به شهر بانی کل کشور نوشت: «شهر بانی کل کشور، در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته میشود، هرچه نوشته باشند و هرکه نوشته باشد به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد.» و ملت ایران شاهد بودند که تا چه حد و تا کجا به این اولین سخننامه خود پای بند بود و تا چه میزان آزادی مطبوعات را حرمت گذاشت. و مردم ایران نیز چه آگاهانه به قضاوت نشستند و به دروغ پردازی‌های مخالفین نهضت ملی، از وابستگی به ارتجاع داخلی گرفته تا عوامل قدرت‌های خارجی و قعی نهاده و به پشتیبانی خود از نهضت ملی و رهبری آن برای همیشه ادامه دادند. پس از پیروزی انقلاب، آزادی مطبوعات بجز برخی از بازه‌های زمانی کوتاه مدت، نادیده انگاشته شده و همواره شاهد توقیف روزنامه‌ها و زیر فشار قرار گرفتن و به بند کشیده شدن روزنامه نگاران بوده ایم و می‌باشیم.